

The Rise of Iraqi/Arab Nationalism in Iraq (2003-2020)

Ayoub Menati

Ph.D. in International Relations, University of Tehran; Tehran, Iran. Ayoob.menati@gmail.com

Abstract

The hegemony of the discourse of political Islamism after 2003, sectarian strife and the rise of ISIS in 2014 have been factors that have underestimated the impact of Iraqi-Arab nationalism on the new Iraqi political arena. But Iraqi-Arab nationalism has long root in modern Iraqi history and until 2003, in the form of various models, was the dominant discourse in the political arena. The effects of this political discourse have been evident since the occupation of Iraq. This influence can be seen in the victory of some secular and religious nationalist political forces in the elections, the political speech of the political leaders and their efforts to balance Iraq's relations with other countries. The present article not only deals with the two main nationalist discourses in the history of modern Iraq, but also discusses the important role of this ideology after 2003. It seems, according to the ineffectiveness of political parties dominating the political scene in these two decades and the numerous challenges facing stable and democratic governance in this country, the resort to nationalist discourse and its role in political mobilization will increase in the future.

Keywords: *Iraqi nationalism, political Islamism, the new Iraq, Ba'athist pan-Arabism, nation-building*

خیزش مجدد ناسیونالیسم عربی _ عراقی در عراق (۲۰۰۳-۲۰۲۰)^۱

ایوب منتی

دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران Ayoob.menati@gmail.com

چکیده

هژمونی گفتمان اسلام‌گرایی سیاسی بعد از سال ۲۰۰۳، منازعات فرقه‌ای و ظهور داعش در سال ۲۰۱۴، از عواملی بوده‌اند که باعث کم‌توجهی به تأثیرات «ناسیونالیسم عربی _ عراقی» در عرصه سیاسی عراق جدید شده‌اند، اما ناسیونالیسم عربی _ عراقی، ریشه دیرینی در تاریخ مدرن عراق دارد و تا سال ۲۰۰۳، در قالب مدل‌های مختلف، گفتمانی مسلط در صحنه سیاسی بوده است. تأثیرات این گفتمان سیاسی، از اشغال عراق تا به امروز نیز، امری مشهود بوده است. این تأثیرگذاری را می‌توان در پیروزی برخی از نیروهای سیاسی ناسیونالیست سکولار و مذهبی در انتخابات‌ها، گفتار سیاسی رهبران سیاسی و تلاش آنها جهت متوازن‌سازی روابط عراق با کشورهای دیگر ملاحظه کرد. مقاله حاضر، نه تنها به دو گفتمان اصلی ناسیونالیستی در تاریخ عراق مدرن پرداخته، بلکه نقش مهم این ایدئولوژی را بعد از سال ۲۰۰۳ کاوش کرده است. به نظر می‌رسد، با توجه به ناکارآمدی نیروهای سیاسی مسلط بر صحنه سیاسی در این دو دهه و چالش‌های متعددی که پیش‌روی حکمرانی باثبات و دموکراتیک در این کشور قرار دارد، توسل به گفتمان ناسیونالیستی و نقش آن در بسیج سیاسی در آینده بیش از پیش افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: ناسیونالیسم عراقی، اسلام‌گرایی سیاسی، عراق جدید، پان‌عربیسم بعث، ملت‌سازی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۰ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۹

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۳۱-۱۶۱

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

مقدمه

تهاجم آمریکا به عراق منجر به سرنگونی رژیم اقتدارگرای بعث در سال ۲۰۰۳ شد. با شروع پروسه سیاسی جدید، احزاب سیاسی مختلف در دولت‌های مختلف مشارکت کردند، اما بعد از انتخابات ۲۰۰۵، عمدتاً گروه‌های اسلام‌گرا، بیشترین سهم قدرت سیاسی را از آن خود کرده‌اند. سیر تغییر و تحولات نیز، به سمتی پیش رفت که برخی از پژوهشگران از عراق به عنوان کشوری یاد کردند که فاقد احساس عمیق هویت ملی و ناسیونالیسم فراگیر است (Kirmanj, 2013). این افراد به عمق شکاف‌های فرقه‌ای _ مذهبی و کشمکش‌های خونین ناشی از آن اشاره کرده و می‌کنند، اما نگاهی دقیق به تحولات عراق، لزوماً این آراء شتابزده را تأیید نمی‌کند. ناسیونالیسم عربی _ عراقی ریشه‌ای دیرین در تاریخ مدرن عراق دارد. این ناسیونالیسم، دارای مدل‌های مختلفی در قرن بیستم بوده و در پروسه ملت‌سازی، از طریق مکانیسم مختلف، تصور یک ملت عراق با ریشه‌ای تاریخی را در اذهان شهروندان شکل داده است. پرسش مقاله حاضر این است که «ناسیونالیسم عربی _ عراقی بعد از اشغال عراق از سوی آمریکا، چه تأثیراتی بر صحنه سیاسی عراق داشته است؟». فرضیه مقاله این گونه صورت‌بندی می‌شود: ناسیونالیسم عربی _ عراقی، از آنجا که گفتمان نیروهای سیاسی ناسیونالیست سکولار و مذهبی در یک دهه اخیر بوده است، نقش مهمی در تحولات سیاسی ایفا کرده است که می‌توان به پیروزی ناسیونالیست‌های سکولار (لیست العراقیه) در انتخابات ۲۰۱۰، پیروزی «ائتلاف سائرون» در انتخابات ۲۰۱۸ و حضور چشمگیر آنها در عرصه سیاسی، ریتوریک‌های ناسیونالیستی در گفتار سیاسی

رهبران و تلاش‌ها جهت متوازن‌سازی روابط عراق با کشورهای مختلف اشاره کرد. منظور از طیف ناسیونالیست مذهبی، احزاب اسلام‌گرایی است که بعد از تجربیات دو دهه اخیر، به سمت نوعی ناسیونالیسم عربی _ عراقی گرایش پیدا کرده‌اند و امروزه یک مدل ناسیونالیسم مذهبی را به‌عنوان گفتمان سیاسی خود برگزیده‌اند. مقاله حاضر با تکیه بر روش توصیفی _ تحلیلی، جدا از ملاحظات نظری، به بحث از ویژگی‌های دو مدل مسلط تاریخی ناسیونالیسم عربی _ عراقی می‌پردازد؛ سپس در بخش دوم، نقش نیروهای سیاسی ناسیونالیست سکولار بعد از سال ۲۰۰۳ را در تحولات سیاسی عراق بررسی خواهد کرد. نقش این نیروها، از طریق پیروزی در انتخابات ۲۰۱۰ در قالب «لیست العراقیه»، گویای پویایی و جذابیت ناسیونالیسم سکولار عربی _ عراقی برای عراقی‌ها بود. بخش سوم مقاله، به مدل ناسیونالیسم مذهبی و یکی از نمایندگان آن در صحنه سیاسی عراق یعنی «جنبش صدر» پرداخته است.

۱. ملاحظات نظری

کلمه ملت^۱ از واژه لاتین زاده شدن^۲ و تعلق متقابل از لحاظ زادن و زادگاه^۳ مشتق شده است. معنای مشترک ابتدایی Natio به مردم از لحاظ زاد و زادگاه ایشان مربوط می‌شود (وینسنت، ۱۳۷۸: ۳۳۱).

«ترنس بال» و «ریچارد دگر» نیز معتقدند که واژه‌های ملت و ملیت از واژه لاتینی Natus به معنی تولد گرفته شده است (بال و دگر، ۱۳۸۲: ۲۱). همانند واژه ملت، از ناسیونالیسم نیز تعاریف متعددی صورت گرفته است. ناسیونالیسم غالباً به منزله ایدئولوژی (یا شکلی از رفتار) نگریسته شده که از خودآگاهی ملی، هویت قومی یا زبانی در محورهای اساسی فعالیت و بیان سیاسی استفاده می‌کند (وینسنت، ۱۳۷۸: ۳۳۳). از نظر «ارنست گلنر» که از نظریه پردازان مدرنیست است، ناسیونالیسم مرامی سیاسی است که بر مبنای آن، تشابه فرهنگی اساسی‌ترین نوع

1. Nation

2. Nasci

3. Natio

پیوند اجتماعی به‌شمار می‌رود. بر این اساس، مشروعیت اقتدار، در میان یک گروه از مردم بسته بدن است که اعضای این گروه دارای یک فرهنگ باشند. در شکل افراطی ناسیونالیسم، تشابه فرهنگی شرط لازم و کافی برای عضویت مشروع در یک جامعه سیاسی به حساب می‌آید. تنها اعضای یک فرهنگ خاص می‌توانند به واحد سیاسی منتسب بدن بپیوندند، و همه آنها نیز، باید چنین کنند (گلنر، ۱۳۸۸: ۸).

«آنتونی اسمیت» و «هاچینسون»، ناسیونالیسم را دارای ابعاد سیاسی و فرهنگی می‌دانند و معتقدند: استقلال، وحدت و هویت سه آرمان و هدفی هستند که ملی‌گرایان و جنبش‌های ایدئولوژیک ناسیونالیستی در پی آن برآمده‌اند. آنها همچنین شالوده اهداف خاص‌تر جنبش‌های ملی‌گرایانه بوده‌اند که به وسیله روشنفکران ایجاد شده و الهام می‌گرفتند (اسمیت و هاچینسون، ۱۳۸۶: ۲۶).

اسمیت، در کتاب دیگرش، ناسیونالیسم را اینگونه تعریف می‌کند: جنبشی ایدئولوژیک برای دست یافتن و حفظ کردن استقلال، وحدت و هویت برای مردمانی است که برخی از اعضای آن به تشکیل یک ملت بالقوه و بالفعل باور دارند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۰-۱۹). این تعریف با آنچه که با همکارش هاچینسون، در این خصوص ابراز داشته‌اند، هم‌پوشانی دارد.

اما ناسیونالیسم در برخی از مناطق جهان، یک ایدئولوژی صرفاً سکولار نبوده است. در موارد متعدد با احساسات و گرایش‌های مذهبی پیوند خورده است. به‌عنوان مثال، میهن‌پرستی افراطی (شوینیسیم) فرانسوی غالباً کاتولیک بوده است. در ناسیونالیسم لهستانی نیز، عناصر ملت و مذهب، به سختی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند. ملت‌هایی همچون صرب‌ها، کروات‌ها و بوسنیایی‌ها نیز تقریباً به طور کامل بر مبنای مذهب خود (یا مذهبی که از دست داده‌اند) تعریف می‌شوند، در حالی که از نظر زبانی و نژادی تقریباً از «ملت‌هایی» که با آن در حال منازعه‌اند، غیر قابل تمیزند (گلنر، ۱۳۸۸: ۹۴-۹۵).

در مدل‌های سکولار ناسیونالیسم عراقی _ عربی، جنبش‌ها و دولت‌هایی که دل در گروی ملت عرب و عراق داشته‌اند، متناسب با همان تعریف آنتونی

اسمیت، دست یافتن و حفظ استقلال، وحدت و تحکیم هویت عربی (پان‌عربی) _ عراقی از اهداف اساسی بوده است، اما در مدل‌های متأخر از جمله ناسیونالیسم مذهبی، عنصر مذهب بیش از گذشته در کنار ملت عراق (افول جنبه پان‌عربی یا حداقل کم‌رنگ‌تر از مدل‌های سکولار گذشته)، در مرکز علائق و کنش سیاسی قرار گرفته است. نمود این گرایش را می‌توان در مواضع و سیاست‌های عملی جریان صدر به رهبری «مقتدا صدر» ملاحظه کرد.

۲. روند ظهور و تکامل مدل‌های ناسیونالیسم عربی _ عراقی

دو مدل ناسیونالیسم عربی _ عراقی تا سال ۲۰۰۳ از مدل‌های مسلط بر فضای سیاسی عراق بودند. این مدل‌ها متأثر از فضای سیاسی دوران خود بودند. در حین اشتراکات، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با همدیگر دارند. مدل سلطنتی در دوره‌ای ظهور کرد که عراق تحت قیمومیت بریتانیا قرار داشت. اگرچه رویای یک دولت متحد عربی، در عمل به سراب مبدل شده بود، وحدت پان‌عربی به‌عنوان غایتی مقدس، در بین ملیون عرب رواج و ایده‌ای جذاب بود. تلاش مروجان ناسیونالیسم سلطنتی با تشکیل دولت مدرن، جدا از گرایشات پان‌عربی، نوسازی عراق و پیشبرد فرایند ملت‌سازی، در جامعه‌ای با ساختار اجتماعی متنوع به لحاظ قبیله‌ای، مذهبی و قومی بود. «فیصل» فرزند شریف حسین از شخصیت‌های مدافع دولت متحد عربی (ابردولت عربی) در طول جنگ جهانی اول و اولین پادشاه سلطنت مشروطه عراق، گرایشات ناسیونالیستی خود را اینگونه بیان می‌کند: «ما قبل از آنکه مسلمان باشیم، عرب هستیم؛ حضرت محمد (ص) قبل از آنکه به پیامبری مبعوث گردد، عرب بود. در میان ما اکثریت و اقلیت وجود ندارد که ما را از هم جدا کند. ما یک تن واحد هستیم، ما حتی قبل از حضرت موسی، حضرت محمد، حضرت عیسی و حضرت ابراهیم، عرب بوده‌ایم» (رجایی، ۱۳۸۱: ۳۹).

فیصل، «ساطع الحصری» (۱۸۸۰-۱۹۶۸) تئوریسین سکولار ناسیونالیسم عرب را برای سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگ به عراق آورد. او از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱، به‌عنوان متخصص تعلیم و تربیت، هم در مقام‌های مدیریتی و معلمی و هم به‌عنوان رئیس بخش آثار باستانی در عراق کار کرد (خدوری، ۱۳۷۴: ۲۱۶)؛ تحت

تأثیر ناسیونالیسم آلمانی و متفکرانش در هستی بخشیدن به ملت، زبان و تاریخ دو عامل اساسی بودند. چنانکه پیرامون زبان تأکید می‌کرد: «زبان مهم‌ترین رابط بین افراد بشر است و مهم‌ترین واسطه انتقال افکار و داشته‌های پدران به پسران، تمایز ملت‌ها از یکدیگر به خاطر زبان است، زبان روح یک ملت و عامل حیات آن است». پیرامون تاریخ نیز، اظهار می‌دارد: «تاریخ به مثابه شعور و حافظه یک ملت است و هر امتی به واسطه تاریخ است که وجود خود را حس می‌کند و شخصیت خود را دارد، ملتی محکوم است که تاریخ خود را فراموش کند» (خاکنند و یداللهی، ۱۳۹۸: ۵۷-۵۸).

از دید الحصری، ملت باید از طریق نظام وظیفه اجباری، حق رأی همگانی و آموزش همگانی ساخته شود (Seeberg, 2007: 15). الحصری، از همان ابتدا به عنوان مدیرکل آموزش و پرورش، یک سیستم آموزشی را ایجاد کرد که احساسات لازم را برای نیل به وحدت عربی به دانشجویان تزریق کند. از دستورات و اصول سنتی دینی انتقاد می‌کرد و در وارد کردن معلمان عرب از خارج از عراق تردیدی به خود راه نداد. تمام برنامه او ترغیب ناسیونالیسم عربی در مدارس دولتی و کتب آموزشی بود (ویلی، ۱۳۷۲: ۳۶).

در سال ۱۹۲۲ در برنامه تحصیلی دبستان‌ها «اخلاق و وظایف مدنی» را گنجانید و این درس، سوای درس تعلیمات دینی و اخلاقی بود. «سرودهای دسته جمعی» برنامه دیگری بود که با دقت در گزینش محتوای سرودها، ناسیونالیسم عربی به کودکان تلقین می‌گردید. مطالعه تاریخ در این سال‌های شکل‌گیری شخصیت، محدود به مطالعه تاریخ اعراب و تقویت احساسات ملی عربی بود. تنها در سال ششم دبستان، تاریخ وحدت ایتالیا و آلمان هم تدریس می‌شد (الخلیل، ۱۳۷۰: ۲۵۰). بنابراین سیستم آموزشی بهترین ابزار برای تزریق هویت عربی به جامعه عراق بود و از این طریق ناسیونالیسم عربی در جامعه عراق گسترش یافت و دو هدف اساسی؛ ازجمله: ایجاد هویت مشترک عربی در داخل کشور و تأکید بر نقش عراق در وحدت عربی را دنبال کرد.

دولتمردان دوره فیصل اول ترکیبی از گرایش‌ات وحدت طلبانه پان‌عربی را با

نوعی وفاداری به دولت عراق در هم آمیختند، اما از سال ۱۹۳۶ گرایشات پان‌عربی، به تدریج متأثر از تحولات اروپا، با تمایلات فاشیستی ترکیب شد و جریان‌هایی این تمایلات را آشکارا بروز می‌دادند. «سامی شوکت»، جانشین ساطع الحصری که مدیر کل آموزش و پرورش بود، از جمله این افراد بود. وی در سال ۱۹۳۵ «باشگاه مثنی» و «سازمان الفتوه» (جوانان _الگوی جوانان هیتلری) را با گرایشات تند پان‌عربی تأسیس کرد. شوکت و این تشکیلات، بعدها در قالب «کمیته عربی» همراه با مفتی اعظم فلسطین در دولت کودتای آوریل ۱۹۴۱ «رشید عالی»، بدنه تصمیم‌گیری سیاسی را بر عهده داشتند. برخی اعضای کمیته عربی در مأموریتی مخفیانه با «فون پاپن»، همکاری با آلمان نازی را مورد بحث قرار دادند و در جریان سرکوب دولت کودتا از سوی بریتانیا، از حمایت محدود آلمان نیز برخوردار شدند. شوکت در یکی از سخنرانی‌ها برای دانش آموزان ابراز داشت: «خارجی کسی است که احساس ما را نداشته باشد ولو صدها شناسنامه عراقی داشته باشد. ما به کسی خارجی می‌گوییم که علیه وحدت عربی دسیسه بچیند، و چنین کسی تنها از نظر آموزه، جان و اعتقاد، خارجی نیست، او بدترین دشمن ماست» (الخلیل، ۱۳۷۰: ۲۸۰). یکی از کتاب‌هایش با عنوان *این/است هدف‌های ما: معتقدان به آن‌ها از ما هستند*، تأثیرات زیادی بر لایه‌های مختلف جامعه عراق نهاد.

شوکت در آثارش، تمجید زیادی از تاریخ و فرهنگ و شکوهمندی‌های گذشته و تمدن عرب نموده است. او در برخی از سخنرانی‌هایش برای آموزگاران دبیرستان‌ها، از آنان خواست که آموزش تاریخ را با روح ناسیونالیسم تقویت کنند و معتقد بود کتاب‌هایی که عرب‌ها را بدنام می‌کنند، بدون استثنا باید سوزانده شوند؛ حتی اثر «ابن خلدون» فیلسوف تاریخ را. بعدها ساطع الحصری در مطبوعات، به خاطر این اندیشه‌ها از او انتقاد کرد و گفت که ابن خلدون بر نژاد عرب حمله نکرده است؛ منظور او از واژه عرب بدویان بوده است (خدوری، ۱۳۷۴: ۱۹۴). عامل مهم‌تر از آموزش و ثروت برای پرستیژ و استقلال ملت‌ها، قدرت به معنای برتری شمردن و اذعان به هنر مرگ بود (G.Him, 1962: 98). ضمن

تقدیس ارتش و روحیه نظامی در یک سخنرانی (پاییز ۱۹۳۳) ابراز داشت: «روح هارون الرشید و مأمون از عراق می‌خواهند که در مدت کوتاهی، نیم میلیون سرباز و صدها هواپیما داشته باشد» (G.Him, 1962:99).

مهم‌ترین دستاوردهای ناسیونالیسم سلطنتی و اقلیتی از ناسیونالیست‌های عرب در دوران شکل‌گیری دولت مدرن، پیشبرد برنامه‌نوسازی و ملت‌سازی، تأسیس و گسترش نهادهای دولت، پایان دادن به قیومیت بریتانیا و وارد شدن عراق به عنوان کشوری مستقل به جامعه ملل در سال ۱۹۳۲ بود. در این دوران گسترش شهرنشینی، آموزش و پرورش، بوروکراسی، ظهور رسانه‌ها و احزاب سیاسی مختلف، انتخابات و حیات پارلمانی محدود، پیشرفت چشمگیری به خود دید. ارتش که نهادی ملت‌ساز بود، در سال ۱۹۲۲ حدود ۳۵۰۰ نفر بود. فیصل خواهان تقویت آن بود؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۲۷ به ۷ هزار و در سال ۱۹۳۲ به یازده هزار و پانصد نفر رسید (الخلیل، ۱۳۷۰: ۲۷۰). از نظر اندازه و کیفیت افسران و تجهیزات رشد کرد و در سال ۱۹۴۱ شامل ۱۷۴۵ افسر و ۴۴ هزار و دویست نفر شد (الخلیل، ۱۳۷۰: ۴۳).

از دید ناسیونالیست‌های عرب به‌ویژه الحصری، خدمت نظام وظیفه و ارتش کارکردی اساسی برای ملت‌سازی داشت. چنانکه در این خصوص ابراز داشت: پادگان‌ها مثل مدرسه‌ها هستند. همه افراد از شهرها و آبادی‌های سراسر کشور، از خانواده‌ها، طبقه‌ها و اعتقادات دینی گوناگون جمع می‌شوند، تحت نظم و انضباط واحدی در می‌آیند. فرد از خودخواهی و خودپسندی رها می‌شود و در آنجا حضور دیگران را حس می‌کند، حضور ملت و کشور را احساس می‌نماید (الخلیل، ۱۳۷۰: ۲۶۳).

جدا از گرایشات وحدت‌طلبانه پان‌عربی و ملت‌سازی بر پایه عناصر زبان و تاریخ، ضدیت با بریتانیا و استقلال‌طلبی، عنصر اساسی از گفتمان ناسیونالیستی عربی _ عراقی در این دوران (سلطنت) بود که احزاب و جریان‌های مختلف سیاسی اعم از دولتی و غیر دولتی، آن را مطالبه می‌کردند. این ویژگی نیز دلایل خاص خود را داشت. علی‌رغم عضویت عراق در جامعه ملل و استقلال این کشور

در اکتبر ۱۹۳۲، انگلیسی‌ها دو پایگاه هوایی را در عراق در اختیار داشتند؛ همچنین حق مداخله نظامی در هنگام جنگ را برای خود محفوظ داشتند (درینیک، ۱۳۶۸: ۱۳۸). علاوه بر این، دارای نفوذ زیادی در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی عراق بودند. این نفوذ و دخالت‌های آنها، در جریان کودتای ۱۹۴۱، علیه «رشید عالی گیلانی»، نمود عینی یافت.

۲-۱. مدل بعثی ناسیونالیسم عربی _ عراقی

کودتای دوم بعث در سال ۱۹۶۸ مدل دیگری از ناسیونالیسم پان‌عربی را ایدئولوژی دولتی ساخت، که دارای رگه‌های پررنگ ناسیونالیسم عراقی نیز بود. ریشه‌های ایدئولوژی و فعالیت سیاسی حزب بعث (حزب البعث العربی الاشتراکی) به آراء و اندیشه‌های روشنفکرانی چون «زکی ارسوزی»، «میشل عفلق» و «صلاح‌الدین بيطار» در اوایل دهه ۱۹۴۰ باز می‌گردد. عفلق، معلم مدرسه و تحصیل‌کرده دانشگاه سوربن پاریس، یک مسیحی ارتدکس یونانی بود. صلاح‌الدین بيطار، مسلمانی سنی و از سوربن فارغ‌التحصیل شده بود. آرسوزی نیز که فارغ‌التحصیل سوربن بود، یک علوی اهل اسکندرون، سهم فکری عمده‌ای در ایدئولوژی حزب داشت؛ هر چند که او هیچ‌گاه به حزب عفلق و بيطار نپیوست (Baram, 1991:9).

با اعلام موجودیت رسمی حزب در ۷ آوریل ۱۹۴۷ در دمشق، بعث اهداف سه‌گانه زیر را در دستور کار خود اعلام کرد:

۱. میهن عربی، واحد سیاسی و اقتصادی تجزیه‌ناپذیری است و هیچ‌یک از کشورهای عربی نمی‌تواند جدا از کشورهای دیگر عرب، نیازهای زندگی خودشان را کاملاً برآورند.

۲. ملت عرب، واحد فرهنگی است و همه اختلافات موجود میان فرزندان آن عارضی و جعلی‌اند و با بیداری وجدان عرب از میان خواهد رفت.

۳. میهن عربی از آن اعراب است و فقط آنان حق دارند امور آن را اداره کنند، از ثروت‌های آن بهره ببرند و سرنوشت آن را به‌دست بگیرند (اسماعیل، ۱۳۶۹: ۲۳).

مهم‌ترین اصل ایدئولوژی حزب، وحدت عربی بود که وحدت سیاسی سرزمین‌های عرب را مجسم می‌کرد. (Baram, 1991:9) این سرزمین‌های عربی، به مثابه سایر پروژه‌های سیاسی ناسیونالیستی، جاه طلبانه ترسیم شده بود. آزادی در قاموس این ایدئولوژی، مفهومی جمعی یعنی رهایی از سلطه استعمار و مقابله با امپریالیسم غربی و نفوذش بر جهان عرب داشت. یک سوسیالیسم معتدل و ضدیت با کمونیسم، از عناصر اصلی گفتمان بعثی‌ها بود. علاوه بر این صهیونیسم‌ستیزی، رد تجدد ساختگی (به عنوان عدم همخوانی آن با روح ملی عرب) و دگرستیزی‌های داخلی و خارجی، همیشه در ادبیات ایدئولوگ‌های حزب امری مرسوم و رایج بود.

شاخه عراقی بعث، در سال ۱۹۴۹ از سوی شماری از دانشجویان اهل اسکندرون و حلب که در بغداد تحصیل می‌کردند، تأسیس شد. در همین زمان دانشجویان عراقی هم که از لبنان و سوریه به کشور بازگشته بودند، تحت تأثیر ایده‌های بعث قرار داشتند (Baram, 1991:11). در دهه ۱۹۵۰ رهبری بعث را «فواد الرکابی» (دانشجوی مهندسی شیعه از ناصریه) بر عهده داشت. اعضای حزب، از میان اعراب شیعه و سنی تشکیل می‌شد و تا کودتای ۱۹۵۸ محدود ارزیابی شده است. اما در خلال این مقطع، به فعالیت‌های تبلیغاتی و سازمان دادن تظاهرات‌ها می‌پرداختند و به تدریج، به یک نیروی سیاسی شناخته شده‌ای تبدیل شدند.

با به قدرت رسیدن بعث در نتیجه کودتای ۱۹۶۸، ایدئولوژی بعث به گفتمان مسلط سیاسی تبدیل شد. دولت و حزب بعث تا سال ۲۰۰۳، دو الگوی ناسیونالیسم را هم‌زمان به شیوه‌ای مختلط در سیاست‌های اعلامی و عملی خود به کار می‌گرفت. هم‌پوشانی گرایشات پان‌عربیستی و ناسیونالیسم عراقی چنان بود که تفکیک این دو کاری دشوار بود. عنصر پان‌عربیستی آن، همواره ادعا می‌کرد که می‌خواهد جهان عرب را به یک عصر جدید موفقیت‌های نظامی و اقتصادی هدایت کند. این رگه از ناسیونالیسم، مبتنی بر این فرض بود که حزب بعث، رهبر این جهان جدید عرب و عراق مرکز آن خواهد بود. این عنصر پان‌عربیست چنان با برنامه‌ها و سیاست‌های ناسیونالیسم عراقی رژیم در هم تنیده بود که امکان تمیز

دادن آنها از همدیگر در سراسر عراق بعثی وجود نداشت. به عبارت دیگر، از منظر این دیدگاه، عراق تنها زمانی می‌توانست به‌عنوان رهبر جهان عرب دست یابد که ناسیونالیسم عراقی، قدرتمند باشد (Isakhan, 2011: 260).

در عین حال، دیدگاه یک عراق قدرتمند و متحد، نیز نیاز داشت که پیوند خود را با جهان عرب گسترش و به مثابه یک دولت عربی برجسته نقش تعیین کننده‌ای در حل و فصل مسائل و دفاع از امت عرب، منافع آن و ستیز با دشمنانش داشته باشد. در اولین قانون اساسی موقت که دولت در سال ۱۹۷۰ منتشر ساخت، جنبه پان‌عربیستی مشهود بود، به‌ویژه در جایی که عراق را به مثابه بخشی از ملت (امه) عرب و هدف اصلی و ابتدایی‌اش را تحقق یک دولت عربی تعریف می‌کرد (Kirmanj, 2007:51).

در راستای تقویت هویت ملی عراقی نیز، ناسیونالیسم بعثی با تکیه بر ثروت نفت و قدرت سیاسی، تلاش‌های گسترده‌ای جهت احیای فولکلور و بازخوانی دوباره تاریخ عراق متناسب با ایدئولوژی بعث نمود. در چهارچوب پروژه بازنویسی تاریخ، نویسندگان و پژوهشگران عراقی از سوی دولت موظف شدند که گذشته عراق را به روایت‌های شدیداً ساده‌ای تقلیل دهند. فراتر از القائات سیاسی ساده‌انگارانه، همچنان که «اریک دیویس»^۱ اشاره می‌کند: پروژه، تلاشی برای ساخت یک حوزه عمومی جدید، شامل بازسازی هویت سیاسی، رابطه شهروند و دولت و درک عمومی از میراث ملی را ارائه می‌کرد. (Isakhan, 2011: 261). در این پروژه، هیچ چیز مقدس نبود. هر دوره‌ای از تاریخ پیچیده و طولانی عراق، بازتفسیر و بازنویسی یا به سادگی در راستای هماهنگی گذشته با ایدئولوژی بعثی معاصر جعل شد.

جدا از تأکید مداوم بر پنج هزار سال تاریخ عراق، دوره بین‌النهرین باستان و اسلام کلاسیک (با تمرکز بر امپراتوری عباسیان)، اهمیت اساسی برای تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه دولتی در این دوره داشتند. احیای فولکلور بین‌النهرینی، سرمایه‌گذاری گسترده در حفاری‌های باستان‌شناسی، بازسازی و مرمت آثار و اماکن باستانی،

1. Eric Davis

انجام جشنواره‌های بهاری سالانه بین‌النهرین باستان در سراسر کشور، برگزاری جشنواره‌های ادبی و انتشار مجلاتی همچون هزار و یک شب پیرامون ادبیات دوره اسلامی، ساخت و نصب چندین مجسمه و بنای یادبود برای شخصیت‌های تاریخی عراق از جمله شاعران کلاسیک دوره اسلامی، فلاسفه، هنرمندان و غیره، نامگذاری لشکرها و سلاح‌های خاص با شخصیت‌های تاریخی ادوار بین‌النهرین باستان و عراق دوره اسلامی و بازسازی بابل، بخشی از تلاش‌ها در راستای تعمیق وفاداری و انسجام هویت ملی عراق بود (Isakhan, 2011: 262).

از دوره باستان، پادشاهان بابل، به‌ویژه «نبوکد نصر دوم» و از دوره اسلامی عراق، عباسیان و ابوجعفر منصور (خلیفه منصور) دومین خلیفه عباسی، جایگاهی اساسی در روایت‌های تاریخی ملی‌گرایانه عراقی داشتند. حضرت علی (ع) و صلاح‌الدین ایوبی نیز از دیگر شخصیت‌هایی بودند که مورد توجه شدید گفتمان مسلط و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت قرار داشتند. آنها مورد علاقه شخص صدام و نخبگان بعثی بودند. جدا از تنوع دوره‌ای و مذهبی این اشخاص، این ابداع سنت‌ها، نه تنها تحت لوای میراث مشترک عراق در صدد جلب وفاداری شهروندان عراق بود، بلکه با ملی‌گرایی عربی _ عراقی بعثی‌ها هماهنگ و بازتولید کننده مشروعیت رژیم نیز بود.

در خلال جنگ ایران و عراق، عنصر پان‌عربی _ عراقی ناسیونالیسم بعثی‌ها، تأثیر عملی خود را بیشتر آشکار ساخت. رژیم صدام، جنگ را قادسیه صدام نامید و تبلیغات گسترده‌ای با بهره‌گیری از سمبل‌های تاریخی به راه انداخت. برخی پژوهشگران معتقدند که تنها راهی که عراق می‌توانست چنین جنگی طولانی با این همه تلفات را تداوم بخشد، توسل به یک موج احساسات ناسیونالیستی بود (Blaydes, 2015:14:).

۳. ناسیونالیسم عربی _ عراقی در دوره پسا صدام

در دوره بعد از سقوط رژیم بعث، برجستگی ناسیونالیسم عربی _ عراقی در فضای سیاسی عراق دارای فراز و نشیب‌هایی بود. در این دوره به‌ویژه بعد از سال ۲۰۰۵، گفتمان هژمون در صحنه سیاسی عراق، اسلام‌گرایی سیاسی شیعی و سنی

بود. اما جریان‌ها و گرایش‌ات ناسیونالیست سکولار نیز، تا قبل از انتخابات ۲۰۰۵ در صحنه سیاسی حاضر بودند و نقش مهمی در تدوین قانون اساسی عراق داشتند. جنگ‌های فرقه‌ای در سال‌های بعد از ۲۰۰۵، ناسیونالیسم را تا حدودی به گفتمان و جریانی حاشیه‌ای تبدیل کرد. پیروزی لیست العراقیه در انتخابات ۲۰۱۰، پیروزی ائتلاف سائرون با گفتمان ناسیونالیستی عراقی در انتخابات ۲۰۱۸ و ظهور مدلی از ناسیونالیسم مذهبی (شیعی) در سال‌های اخیر، گویای خیزش مجدد این گفتمان، در فضای عمومی و سیاسی عراق دارد. در پایین به تأثیرات ناسیونالیسم سکولار و مذهبی بر روند تحولات عراق خواهیم پرداخت.

در شورای حکمرانی عراق که از ۱۳ جولای ۲۰۰۳ تا ۱ ژوئن ۲۰۰۴ تشکیل شد، برخی نیروهای سیاسی ناسیونالیست سکولار حضور داشتند. اعضای این شورا مرکب از ۲۵ نفر از شخصیت‌های عراقی از گروه‌های سیاسی و مذهبی مختلف (۱۳ شخصیت شیعه، ۵ سنی، ۵ کرد و یک ترکمن و آشوری) منصوب اداره موقت ائتلاف بودند. در دولت موقت نیز، همین مسئله نمود آشکاری داشت. از آنجا که در دوران بعث، یکی از «دیگری‌های» عراق، ایران تعریف شده و به مثابه دشمن تلقی می‌شد، ضدیت این نیروها با ایران برجسته بود. به‌عنوان مثال، در جولای ۲۰۰۴ وزیر دفاع موقت عراق، «حازم الشعلان» بیان داشت که ایران دشمن شماره یک کشورش باقی مانده است؛ از تروریسم حمایت و دشمنان را وارد عراق می‌کند. من مداخلات آشکار ایران در امور عراق را دیده‌ام. الشعلان، ایران را به مداخله جهت از بین بردن دموکراسی در عراق محکوم کرد. (Crisis Group Middle East Report, 2005: 1)

الشعلان در جریان درگیری نیروهای مقتدا صدر با نیروهای آمریکایی در نجف در سال ۲۰۰۴، ایران را متهم به فرستادن سلاح برای شورشیان شیعه در نجف کرد. سایر مقامات عراقی نیز، همچون «غازی الیاور»، رئیس جمهور موقت و «ایاد علاوی» در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، بارها نگرانی‌های خود را از رفتارهای ایران در عراق ابراز داشتند. الیاور، ایران را متهم به کمک‌های مالی به احزاب و شخصیت‌های نزدیک به تهران و تزریق مقداری پول به مبارزات انتخاباتی عراق

در راستای ایجاد یک حکومت شیعه همانند حکومت ایران نمود (Crisis Group Middle East Report, 2005: 2).

به واسطه نتایج انتخابات‌های ژانویه و دسامبر سال ۲۰۰۵، حضور این افراد در مقامات عالیه دولت کم‌رنگ‌تر شد، اما علی‌رغم تسلط شیعیان اسلام‌گرا و کردها بر دولت، نیروهای سنی ناسیونالیست همچنان کج‌دار و مریز در صحنه سیاسی حضور و در قالب برخی از وزرا در دولت مالکی مشارکت داشتند.

۳-۱. قانون اساسی و ناسیونالیسم

ناسیونالیسم عربی _ عراقی را می‌توان در بندهایی از قانون اساسی عراق ردیابی کرد. این قانون دارای یک مقدمه و شش فصل و ۱۳۸ ماده است. در مقدمه آن، همان روایت باشکوه ناسیونالیستی، از هویت بین‌النهرینی عراق، در قالب الفاظی جدید بازتولید شده است و بیان می‌دارد: ما اهالی عراق مردم سرزمین بین‌النهرین، خاستگاه پیامبران و رسولان، سرزمین ائمه اطهار و پیشتازان تمدن و کتابت و نگارش هستیم که اولین قانون بشری در سرزمین ما تدوین شد؛ قدیمی‌ترین معاهده عادلانه برای اداره امور در سرزمین ما تهیه شد (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۸۱). تعریف هویت ملی عراقی در این قانون، برخلاف قوانین اساسی سابق، تکثر قومی _ مذهبی را لحاظ کرده است. خصلت پان‌عربی آن، برخلاف قوانین سابق، کاسته شده است؛ چنانکه در ماده سوم از عبارت مشهور «ملت عراق» به‌عنوان بخشی از ملت عرب، خودداری شده است (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

در ماده ۳ و ۴ بخش اول آمده است: عراق متشکل از اقوام و مذاهب مختلف و از بنیان‌گذاران اتحادیه عرب و بخشی از جهان اسلام معرفی شده است. ماده ۴، زبان عربی و کردی را زبان‌های رسمی عراق اعلام کرده است و بر تدریس زبان‌های مادری از جمله ترکمنی، سریانی و ارمنی در مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی تأکید کرده است. اسلام بخشی از هویت اکثریت ملت عراق عنوان شده است. آزادی عقیده و اجرای شعائر دینی همه افراد از جمله اقلیت‌های دینی مسیحی، یزیدی و صائبی‌های مندالی نیز تضمین شده است (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۸۳). اگرچه اسلام دین رسمی و منبع قانونگذاری اعلام شده است، تأکید شده

است که قوانین نباید با اصول دموکراسی و حقوق و آزادی‌های اساسی در تعارض باشد. توازن قوای نیروهای سیاسی با گرایش‌های ایدئولوژیکی مختلف، نقش مهمی در صورت‌بندی این قانون داشته است.

۲-۳. حاشیه‌ای شدن ناسیونالیسم

نتیجه جنگ‌های خونین فرقه‌ای بعد از سال ۲۰۰۶، افول احساسات ناسیونالیستی بود. درگیری‌ها و بمب‌گذاری‌هایی که ابتدا نیروهای آمریکایی را هدف قرار می‌داد، به سمت نوعی منازعات فرقه‌ای جریان یافت. اوج این درگیری‌ها، در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ اتفاق افتاد. این درگیری‌ها به رشد گروه‌های شبه نظامی (۲۳ گروه) در حومه بغداد منجر شد. از گروه‌های شیعه، «سپاه مهدی» به رهبری مقتدی صدر و از سنی‌ها شاخه «القاعده عراق» به رهبری «زرقاوی» و گروه‌های وابسته به حزب بعث، نقش مهمی در کشمکش‌ها و درگیری‌های فوق داشتند.

گروه زرقاوی به تدریج حملات تبلیغاتی و عملی خود را متوجه شیعیان نمود. این سیاست، عراق را در یک جنگ فرقه‌گرایانه غوطه‌ور ساخت که شمار حملات فرقه‌گرایانه و تلفات مدنی به شکل چشمگیری افزایش یافت. «کودزن و دیویس»^۱ از صاحب‌نظران عراق، به جنگ علیه شیعیان از سوی زرقاوی بعد از سال ۲۰۰۵ اشاره می‌کنند و آن را شکلی از افراط‌گرایی اسلامی می‌نامند که جایگاه شیعیان را به‌عنوان مسلمان مورد چالش قرار داد. زرقاوی، تنها افراط‌گرای اسلام سنی بود که شیعیان را محکوم به خیانت به عراق و مقابله‌جویی با جنگ‌های کثیف نمود. از دید پژوهشگران فوق، مهم‌ترین گروه‌های اسلامی سنی، تا سال ۲۰۰۶، از حملات آشکار به شیعیان و سایر فرقه‌ها به‌طور کلی اجتناب می‌کردند (Cordesman & Davies, 2008: 152).

با شدت گرفتن درگیری‌های فرقه‌گرایانه، بغداد و مهم‌ترین شهرهای دیگر، به شکل فزاینده‌ای به نواحی فرقه‌ای تقسیم و خانواده‌های سنی و شیعه در جاهایی که اقلیت بودند، گریختند. پاکسازی قومی _ مذهبی، منجر به جابجایی ۱,۷ میلیون نفر به لحاظ داخلی تا پایان سال ۲۰۰۶ شد (Cordesman, 2007: 4).

1. Cordesman and Davies

«کاظمیه» و «العظمیه» بغداد از مهم‌ترین مناطق حساس در بغداد بودند. شهرهای دیگر همچون شهر شیعه «سامراء» یا «یوسفیه»، «محمدیه» و «اسکندریه» کانون درگیری‌ها بودند. بمب‌گذاری در «مسجد العسکری» شیعه در سامراء در فوریه ۲۰۰۶، از جمله حوادثی بود که در این زمینه نقطه عطف محسوب می‌شود و بر شدت خشونت‌های فرقه‌گرایانه افزود. مطابق برآوردهای آسوشیتد پرس، ۱۳،۷۳۸ هزار عراقی اعم از افراد مدنی و نیروهای امنیتی در خشونت‌های فرقه‌ای در سال ۲۰۰۶ کشته شده‌اند، اما بر اساس گزارش سازمان ملل ۳۴،۴۵۲ نفر عراقی در خشونت‌های این سال جان باخته‌اند (Cordesman, 2007: 2).

۳-۳. بازگشت ناسیونالیسم سکولار عراقی

انتخابات مجلس نمایندگان که در ۷ مارس ۲۰۱۰، در سراسر عراق برگزار شد، آغاز مرحله جدیدی از روند سیاسی عراق در دوره بعد از صدام بود. نتایج انتخابات، بازتابی از قدرت بسیج ناسیونالیسم سکولار عربی _ عراقی بود. انتخابات قبلی در سال ۲۰۰۵، کرسی‌های مجلس ۲۷۵ بود و به صورت سیستم لیست بسته یا تک‌دایره‌ای برگزار شد، اما این انتخابات در قالب سیستم باز و نظام چنددایره‌ای برگزار گردید. در مرحله اول رأی‌گیری، در ۳۰ آوریل، بیشتر از نُه هزار نامزد وابسته به ۱۴۲ حزب سیاسی مختلف، برای ۳۲۸ کرسی مجلس به رقابت پرداختند (Benraad, 2014: 3).

میزان مشارکت مردم در این انتخابات ۶۲،۴ درصد اعلام شد. مهم‌ترین نیروی حامی ناسیونالیسم عربی _ عراقی در خلال تبلیغات انتخاباتی، لیست العراقیه به رهبری ایاد علاوی از شخصیت‌های سکولار عراقی بود. «صالح المطلق»، «طارق الهاشمی» و «عبدالقادر العبیدی» وزیر دفاع عراق، به همراه سایر شخصیت‌های ملی‌گرای سنی در آن حضور داشتند. این ائتلاف که از سوی برخی کشورهای عربی و ترکیه مورد حمایت قرار گرفت، ۲ میلیون و ۸۴۹ هزار و ششصد و دوازده رأی (۲۴،۷۲ درصد) یعنی ۹۱ کرسی را از آن خود کرد و به عنوان ائتلاف پیروز در انتخابات شناخته شد. ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی در این انتخابات، موفق به کسب ۲ میلیون و ۷۹۲ هزار و هشتاد و

سه رأی (۲۴،۲۲ درصد) یعنی ۸۹ کرسی مجلس شد (Smith, 2010:8).

علاوی و شخصیت‌های عراقیه، جدا از گفتمان ناسیونالیسم سکولار، از تقویت مناسبات با کشورهای عربی نیز آشکارا حمایت می‌کردند. مصاحبه‌های بیشتر اعضای این ائتلاف، گویای سوءظن آشکار به ایران بود. ایاد علاوی در پاسخ به سؤالی در مورد بعث‌زدایی، گرایش‌ات ناسیونالیستی خود را اینگونه ابراز داشت: «بینید یک توطئه‌ای پشت پرده با حمایت برخی کشورهای منطقه‌ای و برخی نهادهای وابسته به جامعه جهانی وجود دارد که علیه خط ملی کشور وارد شده و ساختار ملی کشور را هدف قرار داده است» (علاوی، ۱۳۹۳: ۱۰). وی همچنین در مورد سر باز زدنش از سفر به ایران با وجود دعوت‌های بسیار، می‌گوید: «ایران مرا دوست ندارد؛ ایرانی‌ها مرا از خودشان نمی‌دانند. ایرانی‌ها دوست ندارند با ایاد علاوی کار کنند، چون در چهارچوب سیاست‌های آنها نمی‌گنجد. من انسان سکولاری هستم که به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارم و به همین منظور روابط خود را با کشورهای دیگر از جمله کشورهای عربی تعریف می‌کنم؛ برای همین در چهارچوب استراتژی ایرانی‌ها نمی‌گنجم» (علاوی، ۱۳۹۳: ۱۲).

پیروزی لیست ناسیونالیست سکولار العراقیه، معادلات سیاسی را در صحنه سیاسی عراق پیچیده‌تر کرد و این مسئله فرایند تشکیل دولت را برای ماه‌ها به تعویق انداخت. از چالش‌های عمده پیش‌روی تشکیل دولت، تفسیرهای متفاوت از حق تشکیل دولت از سوی ائتلاف پیروز در انتخابات یا بزرگ‌ترین ائتلاف در مجلس بود. از دید لیست العراقیه به‌عنوان ائتلاف پیروز در انتخابات، حق تشکیل دولت از آن این ائتلاف بود. در حالی که ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری‌المالکی عنوان می‌کرد که فراکسیون اکثریت مجلس یا بزرگ‌ترین ائتلاف بعد از انتخابات در اولین جلسه مجلس حق تشکیل دولت و معرفی نماینده خود برای نخست‌وزیری را خواهد داشت، نهایتاً بعد از مذاکرات طولانی، دولت اوباما از دور دوم نخست‌وزیری مالکی حمایت کرد و از او خواست که رهبران سنی را وارد کابینه نماید. در ۱۰ نوامبر ۲۰۱۰، مطابق گزارش‌هایی که منتشر شد، با

دخالت مستقیم «باراک اوباما»، توافق اربیل بین مهم‌ترین جریان‌های سیاسی نهایی شد (Katzman, 2013: 9).

مطابق توافق فوق، ایاد علاوی ریاست شورای ملی سیاست‌گذاری راهبردی را بر عهده می‌گرفت. شورای ملی سیاست‌گذاری راهبردی دست‌کم به لحاظ نظری قرار بود، وظیفه نظارت و مهار قدرت نخست‌وزیر را بر عهده بگیرد. لیست عراقیه همچنین، وزارت دفاع و ریاست مجلس (اسامه نجفی) و برخی وزارت‌های دیگر را از آن خود کرد. در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۰ جلسه مجلس توافق را تأیید و «اسامه نجفی» از چهره‌های برجسته لیست عراقیه و «برادر اسیل نجفی» استاندار نینوا، به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شد. صالح المطلک به‌عنوان معاون نخست‌وزیر انتخاب شد و طارق هاشمی معاون رئیس‌جمهور گردید. در کل لیست عراقیه، نه پست وزارت از جمله وزارت مالی به ریاست رافع العیسوی را به‌دست آورد.

در دوره دوم نخست‌وزیری مالکی و خروج آمریکا از عراق، روند به حاشیه راندن ملیون عرب‌گرا که عمدتاً سنی و گرایشات سکولار داشتند، شدت گرفت. موج دستگیری‌ها و مانورهای مالکی در این زمینه، منجر به گسترش اعتراضات ضد دولتی در اکثریت مناطق سنی نشین عرب شد که تا مه ۲۰۱۳ تداوم یافت. معترضان که مطالبات خاص خود را از دولت مالکی صورت‌بندی کرده بودند، شامل اصلاح قانون بعث‌زدایی، محدودیت بر فرماندهی عملیات‌های خاص مالکی در استان‌ها، درخواست از آمریکا و جامعه بین‌المللی جهت مداخله و کمک به حل بحران سیاسی عراق می‌شد. اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز بودند؛ به استثنای چندین جا که مهم‌ترین آن در «حویجه»، برخوردهایی با نیروهای امنیتی عراق در ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ روی داد (Wicken, 2013: 6).

با ظهور داعش و چند سال درگیری‌های داخلی با این گروه، گفتمان ناسیونالیسم سکولار عربی _ عراقی، تحت الشعاع جنگ و هویت فرقه‌گرایانه در عراق قرار گرفت، اما در خلال سال‌های قدرت‌گیری داعش، بنا به گزارش‌هایی، حمایت بعثی‌ها و سپاه نقشبندی به رهبری «عزت الدوری» از داعش، تبدیل به

یکی از موضوعات مناقشه‌برانگیز شد. برخی از پژوهشگران بر نقش بعثی‌ها و حمایت از داعش از لحاظ نظامی و امنیتی انگشت می‌گذاشتند و خشونت‌های انجام شده از سوی این گروه را حاکی از نفوذ بعثی‌ها در داعش برشمردند. «دنس ناتالی» در مقاله‌ای به بحث مشارکت افسران سابق بعثی در داعش اشاره کرد. وی پیوند بعثی‌ها و جریان‌های اسلام‌گرا را به سیاست دینی بعد از سال ۱۹۹۰ رژیم بعث و صدام حسین برگرداند که رژیم بعث، از آن به مثابه ابزاری جهت منافع سیاسی و حزبی و مقابله با ایدئولوژی شیعی ایرانی بهره می‌برد. به اعتقاد ناتالی، بعد از سال ۲۰۰۳ نیز، این پیوندها به دلیل احساس محرومیت سنی‌ها بین این دو جریان برقرار بود. میزان نفوذ بعثی‌ها در دولت اسلامی عراق و داعش همواره سیال و متغیر بوده است. در اواخر سال ۲۰۱۴، نوزده عضو کابینه داعش، از عراقی‌های عرب سنی و یک ترکمن بودند. این افراد شامل افسران سابق ارتش، افسران امنیتی سابق و افرادی از قبایل عرب سنی از غرب عراق می‌شد. ناتالی در این زمینه به «حاجی‌البکر» از افسران سابق ارتش اشاره می‌کند (Natali, 2015).

اما نویسندگان دیگر، این نقش را محدود ارزیابی کردند. از دید آنها، نقطه اشتراک چندانی به لحاظ ایدئولوژیک میان داعش و بعثی‌ها دیده نمی‌شود. دو جناح حزب بعث، همچنان زبان و ادبیات ناسیونالیسم سکولار خود را حفظ کرده‌اند و در دوره قدرت‌گیری و خلافت داعش، برخی از خشونت‌های این گروه را محکوم کردند. دوم این که برخی از اعضای بعث سابق که در داعش فعال بودند، جایگاه برجسته‌ای در روند تصمیم‌گیری درون داعش نداشتند و این اعضا نیز، محدود بودند.

۳-۴. انتخابات ۲۰۱۸ و ناسیونالیسم عراقی

انتخابات مجلس عراق در ۱۲ مه ۲۰۱۸ برگزار شد. پس از اعلام رسمی نتایج انتخابات، مشخص شد که «حزب مقتدی صدر»، روحانی ناسیونالیست پوپولیست شیعه، که مشهورترین رهبر مذهبی در میان شیعیان کم‌درآمد عراق است و همچنین توانایی زیادی در بسیج هوادارانش در اعتراضات دارد که در طی چند سال گذشته، گفتمان خود ملی‌گراتر کرده است، توانست بیشترین کرسی‌ها را در

مجلس این کشور به دست آورد (al-Shadeedi & van Veen, 2020: 44-48). برخی معتقدند که سیاست‌های غلط دولت فعلی باعث گرایش بیشتر مردم به حزب مقتدی صدر شده است، برخی دیگر بر این عقیده‌اند که مشکلات اقتصادی باعث نارضایتی از حزب حاکم است، اما به نظر می‌رسد بیش از هر چیز جامعه عراق آستن نوعی گذار فرقه‌ای و بازگشت به ناسیونالیسم عربی باشد. ایران از سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام حسین در عراق _ کشوری که اعراب شیعه در آن بیشترین جمعیت را دارا هستند _ به دنبال آن بوده تا از طریق تأکید بر هویت شیعی، فارق از مسائل ملی و قومیتی، نفوذ خود را در عراق تضمین کند. اما طی سال‌های گذشته نشانه‌هایی از احیای مجدد هویت عربی در عراق و به‌خصوص در مناطق شیعه‌نشین این کشور دیده می‌شود، ملی‌گرایی عربی که از سال ۲۰۰۳ و از زمان ممنوع‌الکار شدن حزب بعث در عراق رو به خاموشی گراییده بود. گذشته از دلایل گوناگون، ردپای تلاش‌های عربستان در این مسیر به خوبی نمایان است (محمدی، ۱۳۹۷).

این اولین انتخاباتی بود که پس از ادعای پیروزی دولت عراق در جنگ علیه داعش و اولین بار از زمانی که کردهای عراق با اکثریت قاطع در یک همه‌پرسی غیر الزام‌آور به حمایت از استقلال رأی دادند. در مجموع ۶۹۰۴ نامزد برای ۳۲۹ کرسی رقابت کردند. ائتلاف سائرون، که بخشی از حزب کمونیست عراق را در بر می‌گرفت، با کمال تعجب خوب عمل کرد و بیشترین تعداد کلی کرسی (۵۴ کرسی) را به دست آورد و از ده استانِ نوزده دولت عراق، مقام اول یا دوم را به دست آورد. مانند سایر لیست‌های بزرگ انتخاباتی، سائرون با شعارهای اصلاح طلبانه و محکوم کردن فساد، خواستار اصلاحات نهادی و مخالفت با مداخله خارجی در امور عراق شد که تقریباً بیشتر ائتلاف‌ها در بسترهای ملی‌گرایی و ضد فرقه‌گرایی فعالیت می‌کردند (Siddhartha Patel, 2018: 3-9).

بیش از نیمی از شهروندان عراقی در اعتراض به فساد دولت و قانون ناعادلانه انتخابات در این انتخابات شرکت نکردند. افرادی که در انتخابات شرکت کردند، هرچند که غالباً به همان احزاب قبلی رأی دادند، بیشتر به چهره‌های جدید و یا

تکنوکرات رأی دادند. صف‌بندی‌های منطقه‌ای بر رأی مردم تأثیر گذاشت و به این دلیل افراد نزدیک به ایران و آمریکا، رأی پایینی آوردند. در مقابل حضور افراد هویت‌گرا (پیروان صدر)، لیبرال و کمونیست در این دوره به طور چشمگیر افزایش یافت (الحلو، ۱۳۹۸: ۲-۳).

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد، تلاش‌های سال‌های اخیر عربستان در تقویت روحیه ناسیونالیسم عربی، به‌خصوص در جنوب عراق است. بن سلمان تلاش کرده است تا با سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی در عراق، به محبوبیت خود در این کشور بیفزاید و ترجیح داده است که کمک‌های مالی را به جای سیاستمداران سنی، به سوی افراد بانفوذ شیعه در عراق روانه کند. او حتی از مقتدی صدر، روحانی برجسته شیعه و قاسم العراجی، وزیر کشور عراق که نزدیک به ایران است، در ریاض میزبانی کرد. (محمدی، ۱۳۹۷)

جریان مقتدی صدر، یک حزب ضد ایرانی یا طرفدار آمریکا نیست. مقتدی صدر تلاش کرده است تا جدا از مسائل خارجی، با تأکید بر مؤلفه‌های ملی‌گرایانه مردم عراق، اذهان عمومی این کشور را به مسائل و بحران‌های داخلی عراق به‌ویژه مسائل اقتصادی جلب کند. در عین حال این دیدگاه جریان سائرون، فرصت مناسبی را برای عربستان فراهم کرده تا با حمایت از احزاب شیعی ملی‌گرا، از نفوذ ایران در عراق بکاهد.

۳-۵. تظاهرات سراسری عراق (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹) و ناسیونالیسم عراقی

برخی وقایع سیاسی و اجتماعی نقاط عطف واقعی را در رشد هویت ملی عراق نشان داده‌اند؛ اعتراضات مردمی که برای اولین بار در در ۲۵ فوریه ۲۰۱۱ اندکی پس از ترک نیروهای آمریکایی از عراق، و مجدداً در سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ آغاز شد، تحسن و تظاهراتی که در میدان تحریر آغاز و شمال تا جنوب (از جمله شهرهای کرد) عراق را فرا گرفت و خواستار خدمات اساسی و اصلاحات سیاسی شد. اینها بزرگ‌ترین اعتراضات ملی و مردمی از سال ۲۰۰۳ بودند. پس از ظهور داعش در سال ۲۰۱۴، اعتراضات همچنان ادامه داشت، و این اعتراضات بخشی از یک روند ملی، اجتماعی و سیاسی در سطح کشور

است که مخالفت گسترده‌ای با فرقه‌گرایی پس از سقوط صدام داشته است. و امید جدیدی را به وجود آورد که یک جنبش متحد، ناسیونالیستی سکولارها و میانه‌روها، رژیم فعلی فرقه‌گرایانه را سرنگون کند و هویت ملی عراق را تقویت کند (Dawood, 2016: 12-16).

در طول بهار سال ۲۰۱۶، اعتراضات مردمی بسیار شدید شد؛ زیرا صدها هزار عراقی، میدان تحریر بغداد را پر کردند و خواستار «پایان دادن به فرقه‌گرایی» و ایجاد دولت تکنوکراتی شدند. در ۲۹ آوریل، هزاران معترض در منطقه سبز بغداد جمع شدند و سیاستمداران عراقی را به نادیده گرفتن مطالباتشان متهم کردند. این اعتراضات نشان داد که یک حرکت ملی است. مردم بدون در نظر گرفتن دین، فرقه، قومیت و جنسیت در کنار هم شرکت کردند، آنها فرصتی ارزشمند را برای عراقی‌ها فراهم آوردند تا اعتراضات خود را علیه سیاستمداران فاسد احزاب سیاسی شیعه، سنی، کرد و اسلامی به اشتراک بگذارند (Dawood, 2016: 17-23).

این اعتراضات در آوریل ۲۰۱۶، هنگامی که مقتدی الصدر اعتراضاتی را علیه دولت عراق آغاز کرد، بیشتر شد. و اقدامات صدر در جوامع اهل سنت عرب در عراق و جهان عرب، احتمال وحدت سیاسی را ایجاد کرد. جنبش صدر همیشه خود را به عنوان ملی‌گرای عراقی در برابر نفوذ ایران و آمریکا در امور عراق قرار داده است. لذا پیروزی ایشان در انتخابات ۲۰۱۸ نه تنها نشان دهنده توانایی این جنبش برای بسیج توده‌ها و استفاده از شبکه آن برای توانمندسازی معترضان بود، بلکه ظهور اتحادی عجیب بین یک سازمان شیعه اسلامی و یک جامعه مدنی سکولار را نشان داد که داری گرایش‌های چپ است (Alaaldin, 2018: 35-50).

دور جدید اعتراضات در میدان تحریر بغداد در اول اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد و سپس از طریق شبکه‌های مجازی، استان‌های بغداد، نجف، کربلا، ذی‌قار (ناصریه) و میسان (عمارّه)، بابل (حله) را در بر گرفت. ورود مقتدی صدر (ائتلاف سائرون) به جرگه حامیان معترضان، گروهی که ابتدا حمایت نسبی از «عادل عبدالمهدی» انجام داد و اکنون خواستار استعفای دولت او است؛ صدر این اعتراضات را انقلاب نامیده است.

با این حال، «نکاتی که پیرامون نقش جنبش صدر به عنوان عامل کلیدی می توان مطرح کرد عبارتند از:

۱. تلاش برای کسب قدرت (که بحث مبارزه با فساد و استقرار دولت تکنوکرات را به عنوان مبنای جدی حل مشکلات مطرح می کند)؛ ۲. تلاش برای هژمونی بر مسئله مرجعیت مذهبی (گرایش به مرجعیت عربی نسبت به مرجعیت عام)؛ ۳. تعیین جایگاه و نقش رهبریت سیاسی در کانون توجهات عراق و ۴. گرایش به سمت نهادینه کردن روح ناسیونالیسم عربی و رهبری گفتمان ملی گرایی در عراق است. بنابراین، این گروه (با وجود ضعف نیروهای مذهبی) به دنبال سوءاستفاده از این اغتشاشات و آشوب ها هستند» (پورفرد، ۱۳۹۸: ۴-۱۰).

اگرچه نمی توان گفت که همه تظاهرات کنندگان هدف سیاسی مشترکی را دنبال می کنند، می توان دو هدف آشکار را در این اعتراض ها تشخیص داد. این قیام علیه رهبری سیاسی شیعه در کشور صورت گرفته است و همچنین خشم آشکار از تسلط نیروهای حامی ایران در عراق بر زندگی سیاسی، اجتماعی و مذهبی شیعیان عراق در دوران پس از صدام حسین را یادآور می شود. هرچند تظاهرات کنندگان به وضوح به مداخله ایران اشاره ای نکرده اند، نیروهای شبه نظامی محلی را که به ایران در دستیابی به اهداف استراتژیک در سراسر عراق کمک می کنند، مورد حمله قرار داده اند. با این حال، خشم جوانان و اعتراض های آن به گروه های شبه نظامی شیعه عراقی از سوی کشورهای منطقه، فرصتی بالقوه برای ترغیب ملی گرایی عراق و نقش منطقه ای آن با شخصیتی عربی قلمداد می شود. نیاز کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به یافتن جایگاهی در عراق و ایجاد روابط بهتر با دولت این کشور به ویژه پس از کناره گیری نوری المالکی در سال ۲۰۱۴ آشکار شد (ایبیش، ۱۳۹۸).

گرچه نمی شود تمامی اعتراضات را به رشد هویت ملی گرایی در این کشور نسبت داد، با این حال، عراق انباشتی از ناکامی های سیاسی را تجربه کرده است؛ از کودتا، استبداد، حکومت های ناکارآمد تا جنگ با همسایگان، شکست های تحقیرآمیز بین المللی، تحریم های سخت، اشغال، جنگ داخلی و حتی افتادن به دام

یک گروه اسلام‌گرای مسلح قدرت‌مند چون داعش؛ و نتیجه مشترک تمامی این رویدادها و ناکامی‌ها، بدتر شدن وضعیت حیات و معاش مردم عراق بوده است. شورش‌هایی که از سنخ عراق، برای یک آغاز نو صورت نمی‌گیرد بیشتر با قصد ناممکن کردن تداوم وضع موجود اتفاق می‌افتد این تنها صلاح کسانی است که هیچ دستاویزی برای بر ساختن فردای خود ندارند؛ بدتر از همه، پیدا شدن فرصت‌طلبان داخلی و خارجی است که قاعده بازی را به هم می‌زنند.

۳-۶. ظهور ناسیونالیسم مذهبی

همان‌طور که در مباحث نظری مقاله اشاره شد، ناسیونالیسم یک ایدئولوژی صرفاً سکولار نبوده است و در برخی از موارد عمیقاً با عنصر و احساسات مذهبی پیوند خورده است. این پیوند است که برخی از نظریه‌پردازان را واداشت که به ناسیونالیسم مذهبی، به عنوان یکی از مدل‌های رایج ناسیونالیسم در برخی از مناطق جهان اشاره کنند (Rieffer, 2016).

از نمایندگان برجسته گفتمان ناسیونالیسم مذهبی در یک دهه اخیر، می‌توان به جنبش صدر اشاره کرد. دیگر گروه‌های سیاسی اسلام‌گرای شیعه و سنی نیز، در انتخابات‌های اخیر، به چنین گفتمانی گرایش پیدا کرده‌اند. به‌طوری که «هدف غایی بسیاری از رهبران عراق احیای ملی‌گرایی عراقی شده است» (Sayej, 2018). (20 به عنوان مثال، «عمار حکیم» از مجلس اعلای اسلامی عراق انشعاب و حزب حکمه وطنی را تشکیل داد (<http://alhikmae.com>). ریتوریک‌های ناسیونالیستی نیز، در ادبیات سیاسی این حزب جایگاه برجسته‌ای یافته است. این در حالی است که مجلس اعلای اسلامی عراق، از زمان تشکیل در دهه ۱۹۸۰ تا انشعاب حکیم، حزبی اسلام‌گرا بود.

جنبش صدر به رهبری مقتدا صدر در صحنه سیاسی عراق، بعد از سقوط بغداد، فراز و نشیب‌های فراوانی را از سر گذرانده است. دچار انشعابات و وارد منازعه خونین با نیروهای سیاسی شیعه و آمریکایی شده است. مناسبات خارجی‌اش نیز به مانند رفتار سیاسی رهبرش مورد تفسیرهای ضد و نقیضی قرار گرفته است. مقتدا صدر اگرچه دارای قدرت سخنوری، کاریزما و جایگاه بالایی

در سلسله مراتب مذهبی نیست، همان‌طور که صاحب‌نظران مختلف اذعان کرده‌اند، دارای ویژگی‌هایی است که او را به یکی از مهم‌ترین بازیگران سیاسی در عراق امروز تبدیل کرده است؛ از جمله می‌توان به نمایندگی کردن اقشار و طبقات حاشیه‌نشین شهری و استان‌های فقیر در جنوب عراق اشاره کرد (Schmidt, 2008: 29).

جریان صدر در معادلات سیاسی عراق از طریق کاربست یک زبان و گفتمان ناسیونالیستی عراقی، جهت بسیج سیاسی و گسترش پایگاه اجتماعی تردیدی به خود راه نداده است. این جریان از همان ابتدای فعالیت هم، این رگه‌های ملی‌گرایانه را با توسل به احساسات آمریکایی ستیزی، مخالفت با آیت‌الله سیستانی که از سوی نزدیکان صدر به عنوان مرجعی غیر عرب، تعریف می‌شد، بروز داد. اما غلظت این تمایلات به تدریج افزایش یافت. صدر در نطقی قبل از انتخابات مجلس اخیر بیان داشت: ما در حال حرکت به سمت یک عراق آزاد و مستقل، رها از فساد، تروریسم و شبه نظامی‌ها هستیم (George, 2008: Associated Press).

صدر همچنین، در لفافه و گاهی به شیوه‌ای آشکار از گفتاری ضد ایرانی یا مخالفتش با نفوذ ایران در عراق بهره گرفته است. هوادارانش بارها در تظاهرات‌های مختلف این ضدیت را آشکارا بیان داشته‌اند. این مواضع بدون هماهنگی با رهبران این جریان یا سازمان‌یافته نمی‌تواند باشد. به عنوان مثال، طرفدارنش بعد از پیروزی در انتخابات، شعارهایی همچون ایران بیرون، بیرون؛ بغداد آزاد می‌ماند سر دادند (Young, 2008).

شایان ذکر است، مواضع و سیاست‌هایی نیز از سوی صدر اتخاذ شده است که در تضاد با گرایش‌ات فوق قرار داشته است. برخی از پژوهشگران، این مواضع ضد و نقیض صدر را ناشی از پراگماتیسم وی تفسیر کرده‌اند. برخی نیز، ریشه این سیاست‌ها را به کشمکش‌های سیاسی بین نیروهای سیاسی شیعه نسبت داده‌اند. ناکارآمدی و فساد نخبگان سیاسی اسلام‌گرای حزب «الدعوه» و دیگر گروه‌های سیاسی شیعه، ابزار مهمی جهت بهره‌برداری پوپولیستی مقتدا صدر فراهم کرده است. همین فاکتور باعث شده که بعد از سال ۲۰۱۱ همواره از خواست‌های

معترضین حمایت و جنبش صدر را حامی آنها معرفی کند. کاربست گفتمان ناسیونالیستی نیز، به خوبی در راستای تضعیف رقبای سیاسی استفاده شده است. تفاوت ناسیونالیسم مذهبی با مدل رایج سکولار عربی _ عراقی، در برجستگی وجوه مذهبی (شیعی) آن از یک سو و کم‌رنگی پان‌عربیسم آن است، از سوی دیگر، برخلاف میلیون‌ها عراقی سکولار که دارای گرایشات غرب‌گرایانه هستند، صدر و صدری‌ها گرایشات ضد غربی به‌ویژه ضد آمریکایی دارند.

نتیجه‌گیری

فراز و فرودهای ایدئولوژی‌های سیاسی در کشورهای خاورمیانه، از مباحث عمده در علوم سیاسی است که در دهه‌های اخیر مناقشات عمده‌ای برانگیخته است. افول ناسیونالیسم عربی _ عراقی امری است که بعد از سال ۲۰۰۳، از سوی پژوهشگران مختلف مورد تأکید و پیش‌بینی‌های بدبینانه‌ای درخصوص امکان خیزش مجدد ایدئولوژی فوق در صحنه سیاسی عراق انجام گرفت. چنانکه در برخی از متون دانشگاهی، هویت مشترک عراقی، مورد پرسش‌های جدی قرار گرفته است (Kirmanj, 2014: 83-98).

کارنامهٔ شدیداً اقتدارگرایانه پان‌عربیسم رژیم بعث، حضور برجسته نیروهای سیاسی اسلام‌گرا بعد از سال ۲۰۰۳ در عرصه سیاسی و منازعات و شکاف فرقه‌ای در عراق، نقش مهمی در این نادیده انگاشتن گفتمان ناسیونالیستی عربی _ عراقی داشت. هدف مقاله حاضر، نشان دادن تأثیرات ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی _ عراقی بر تحولات سیاسی عراق در سال‌های بعد از اشغال عراق بود. ضمن تشریح مختصر مباحث نظری ناسیونالیسم، ابتدا به‌منظور نشان دادن قدرت تاریخی ناسیونالیسم عربی _ عراقی در گذشته، به بحث از دو مدل ناسیونالیسم در تاریخ عراق و ویژگی‌های آن پرداخته شد. این دو مدل، نقش مهمی در تحکیم هویت ملی عربی _ عراقی و خودآگاهی ملی عراقی‌ها داشته‌اند؛ لذا تأثیرات ملت‌سازی این دو مدل را نمی‌توان نادیده گرفت. سپس تأثیرات ناسیونالیسم عربی _ عراقی و نیروهای حامل آن بر روند تحولات سیاسی عراق (بعد از سال ۲۰۰۳) مورد بحث قرار گرفت. گفتارهای ناسیونالیستی و حضور برجسته برخی شخصیت‌های

ملی در دوره بعد از اشغال، برخی بندهای قانون اساسی، از همه مهم‌تر پیروزی لیست العراقیه به رهبری ایاد علاوی (انتخابات ۲۰۱۰)، از ناسیونالیست‌های سکولار در عراق، همچنین پیروزی ائتلاف سائرون با گفتمان ناسیونالیستی عراقی در انتخابات ۲۰۱۸ و شعارهای وسیع ملی‌گرایانه معترضین عراقی در خلال تظاهرات‌های اخیر، از جمله شواهد عینی تأثیر و نفوذ ناسیونالیسم عربی - عراقی تا به امروز بوده است. علاوه بر این، مدلی از ناسیونالیسم مذهبی (عراقی - شیعی) با توجه به ناکارآمدی گفتمان اسلام‌گرایی در مسئله مملکت‌داری، در یک دهه اخیر ظهور کرده است. این مدل از ناسیونالیسم، بر دو عنصر عربی - عراقی و اسلامیت با رنگ و لعاب شیعی تأکید دارد و بر حاکمیت ملی و استقلال سیاسی عراق از کشورهای دیگر پای می‌فشارد. جریان صدر به رهبری مقتدا صدر در گفتمان سیاسی و سیاست‌های داخلی و خارجی‌اش، این گرایش‌ها را به وضوح بازتاب داده است. دیگر گروه‌های سیاسی نیز؛ از جمله حزب الدعوه یا حزب حکمه (تیارالحکمه الوطنی) عمار حکیم، در سال‌های اخیر، سعی در گرایش به سمت چنین گفتمانی داشته و دارند. با این حال، بیشتر جناح‌ها و احزاب سیاسی به این نتیجه رسیدند که شکست رویکردهای فرقه‌گرایانه که به زوال قدرت عراق منجر شد و این کشور را میدان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل نمود، اصلی‌ترین دلیل تغییر موضع سیاسی آنها می‌باشد. ظهور داعش که عراق را تا مرز فروپاشی برد، زنگ خطری بود که قبل از هر چیز سیاست‌مداران و رهبران احزاب شیعه را به این نتیجه رساند که با سیاست‌های فرقه‌گرایانه نمی‌توان روی آینده عراق به عنوان یک کشور کارآمد شرط بندی کرد. این گرایش در میان جناح سوم شیعیان یعنی حزب الدعوه نیز پس از کناره‌گیری مالکی و روی کار آمدن عبادی دلالت‌ها و اشاره‌های واضحی دارد. همان‌گونه که گفته شد روی دیگر این سیاست تلاش برای یک عراق مستقل، به دور از رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بازگشت به جهان عرب و آشتی با کشورهای عرب همسایه است.

منابع و ماخذ

احمدی، کوروش (۱۳۸۴). روند تدوین قانون اساسی عراق: تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها، در عراق پس از سقوط بغداد. چ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

اسمیت، آنتونی و جان هاجینسون (۱۳۸۶). *ملی‌گرایی*. ترجمه: مصطفی یونسی و علی مرشدی زاد. چ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.

اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*. ترجمه: منصور انصاری. چ اول. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

الحلو، مشتاق (۱۳۹۷). «پیامها و پیامدهای انتخابات پارلمانی عراق». مرکز مطالعات ایرانی / انکارا. ۱۰ خرداد. در:

<https://iramcenter.org/fa/results-of-the-iraqi-general-elections>.

ان ویلی، جویس (۱۳۷۲). *نهضت اسلامی شیعیان عراق*. ترجمه: مهوش غلامی. چ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.

ایبیش، حسین (۱۳۹۸). «ناآرامی‌های عراق، فرصتی برای کشورهای عربی حوزه خلیج فارس». *دیپلماسی ایرانی*. ۱ آبان. در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1987027>.

بال، ترنس و ریچارد دگر (۱۳۸۲). *ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان دموکراتیک*. ترجمه: احمد صبوری. چ اول. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

پورفرد، مسعود (۱۳۹۸). «بحران عراق؛ ریشه‌ها و پیامدها». پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۲۸ آبان. در: <http://iiict.ac.ir/iraq-3>.

پی یر درینیک. ژان (۱۳۶۸). *خاورمیانه در قرن بیستم*. ترجمه: فرنگیس اردلان. چ اول. تهران: انتشارات جاویدان.

خاکرند، شکرالله و سیاوش یداله‌ی (۱۳۹۸). «بررسی نقش نظام آموزشی و ناسیونالیست‌های عرب در گسترش ایدئولوژی ناسیونالیسم در عراق». *فصلنامه*

پژوهش‌های تاریخی. س یازدهم. ش چهارم. پیاپی ۴۴.

خدوری، مجید (۱۳۷۴). *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*. ترجمه: عبدالرحمن عالم. چ سوم. تهران: موسسه انتشارات وزارت امور خارجه.

رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱). *اندیشه سیاسی معاصر عرب*. چ اول. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

گلنر، ارنست (۱۳۸۸). *ناسیونالیسم*. ترجمه: سید محمدعلی تقوی. چ اول. تهران: نشر مرکز.

محمدی، محمدرضا (۱۳۹۷). «عربستان، انتخابات عراق و مسیر بازگشت به ناسیونالیسم عربی». مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر. ۱ خرداد. در: <https://tisri.org/?id=tjsecrk>.

نشاشیبی، ناصرالدین (۱۳۵۷). *در خاورمیانه چه گذشت*. ترجمه: م. ح. روحانی. چ اول. تهران: انتشارات توس.

وینسنت، اندرو (۱۳۷۸). *ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی*. ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر. چ اول. تهران: انتشارات ققنوس.

- Alaaldin, R. (2018). Sectarianism, Governance, and Iraq's Future. *Brookings Doha Center Analysis Paper*, (24).
- Al-Shadeedi, Hamzeh and van Veen, Erwin(2020). "Iraq's adolescent democracy Where to go from here", *Clingedael, Netherlands Institute of International Relation*, CRU Report,(1-50).
- Baram, A. (1991). Culture, history and ideology in the formation of Ba'thist Iraq, 1968-89. Springer.
- Beehner, Lionel(2005). "Iraq's Parliamentary Elections: An Explainer", available at: <https://www.cfr.org/backgrounders/iraqs-parliamentary-elections-explainer>.
- Blaydes, Lisa(2015). Iraqi Nationalism and the Iran-Iraq War, In: *Rethinking Nation and Nationalism Memos*, The Project on Middle East Political Science.
- Cordesman, A. H., & Davies, E. R. (2008). *Iraq's insurgency and the road to civil conflict* (Vol. 2). Greenwood Publishing Group.
- Dawood, I. (2016). *Moats, Walls, and the Future of Iraqi National Identity*. Istituto Affari Internazionali.
- George, Susannah(2018). "Iraqi Shiite cleric gained ground with nationalist voice", Available at: <https://www.pbs.org/newshour/world/iraqi-shiite-cleric-gained-ground-with-nationalist-voice>.
- Cordesman, A. H. (2007). *Iraq's Sectarian and Ethnic Violence and the Evolving Insurgency*. Washington DC, Center for Strategic and International Studies Arleigh A. Burke Chair in Strategy.

- Isakhan, B. (2011). Targeting the symbolic dimension of Baathist Iraq: cultural destruction, historical memory, and national identity. *Middle East Journal of Culture and Communication*, 4(3), 257-281.
- Katzman, Kenneth (2009). "Iraq: Politics, Elections, and Benchmarks", December 8, *Congressional Research Service*.
- Kirmanj, Sherko (2010). The Clash Of Identities in Iraq, In: Iraq Between Occupations, Perspectives From 1920 to The Present, Edited by Amatzia Baram and Others, New York, Palgrave Macmillan.
- Kermanj, Sherko (2013). **Identity and Nation in Iraq**. Usa: Lynne Rienner Publisher, Inc.
- Kirmanj, S., & Bengio, O. (2014). Kurdish integration in Iraq. *Kurdish awakening: Nation building in a fragmented homeland*, 83-98.
- Natali, D. (2015). The Islamic State's Baathist roots. *Al Monitor*, 24, available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/04/baathists-behind-the-islamic-state.html>.
- Otterman, Sharon (2005). "Iraq: The interim government leaders", February 02, 2005, available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/iraq-interim-government-leaders>
- Pirnie, B., & O'Connell, E. (2008). *Counterinsurgency in Iraq (2003-2006)* (Vol. 2). Rand Corporation.
- Sayej, C. M. (2018). *Patriotic Ayatollahs: Nationalism in Post-Saddam Iraq*. Cornell University Press.
- Schmidt, S. (2008). Shia-Islamist political actors in Iraq: Who are they and what do they want?. Danish Institute for International Studies (DIIS).
- Seeberg, P. (2007). The weakening of the Arab States: Pan-Arabism re-revisited after the invasion of Iraq.
- Patel, D. S. (2018). How Oil and Demography Shape Post-Saddam Iraq. *Crown Center for Middle East Studies*.
- Wicken, S. (2013). *Iraq's Sunnis in Crisis*. Institute for the Study of War.
- Young, Michael (2018), "Does Muqtada al-Sadr Pose a Threat to Iran's Influence in Iraq?", Available at: <https://carnegie-mec.org/diwan/76573>.
- Kedourie, S. (1962). *Arab nationalism: An anthology*. Univ of California Press.
- Rieffer, B. A. J. (2003). Religion and nationalism: Understanding the consequences of a complex relationship. *Ethnicities*, 3(2), 215-242.